**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**حجةالاسلام و المسلمین پناهی‌ات**

**شب دهم محرم**

**رفتن به درب خانه‌ی خدا بابت . . .**

یکی از موارد امتحان، خوف است. به گونه‌ای که یک رویکرد در نحوه‌ی دین‌داری و زندگی است و آثار ویژه‌ای را هم به دنبال دارد. یکی از آن آثار این است که روحیه‌ی بانشاطی را به انسان می‌دهد. صحیح نیست که برای دین‌دار کردن افراد با بلاها آن‌ها را آزار دهند و برای حل آن مشکل‌ها و بلاها بخواهند به درب خانه‌ی خدا بروند. حرفی نیست که برای رفع گرفتاری به خدا راز و نیاز کند و آثار خوبی هم دارد؛ ولی بدانید که این‌گونه زندگی کردن صحیح نیست. و این‌گونه دعا کردن هم صحیح نمی اشد.

قرآن هم می‌فرماید فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (56، عنکبوت)

"چون به کشتی نشستند خدا را با اخلاص در دين او خواندند و چون نجاتشان داد و به خشکی آورد ، شرک آوردند"

تا زمانی که در مشکلات هستیم به خدا پناه می‌بریم و همین که از مشکلات رد شدیم مشرک می‌شویم این وضع درست دین‌داری نیست. خداوند انتظار دارد که با رنج‌ها بلایا قوی برخورد کنیم و ریشه‌ی غم‌ها را بسوزانیم. چه معنی دارد که به را رفع کردن غم‌ها به درب خانه‌ی خدا برویم تا آن‌ها را برطرف کند. نمی‌گویم که این راه درستی نیست ولی بدانید که این ارزش دین را پایین می‌آورد.

الآن برخی با بی‌دینی کردن برای خود کلاس می‌گذارند و فکر می‌کنند که دین برای بدبخت بی‌چاره‌هاست. در صورتی باید کسی که مسجدی و هیئتی باشد روحیه‌ای داشته باشد که همه از او در شگفت باشند. اگر غیر از این باشد تعریف غیر صحیحی از دین ارائه کرده‌ایم. دین آبادانی روح ما را به همراه خواهد داشت. شب عاشورا که امام حسین به اصحابشان نشاط دادند هیچ کس خوفی نداشت و روحیه‌ی خودشان را حفظ کردند.

نباید خدا را برای رفع گرفتاری‌ها بخواهیم. عیبی ندارد که در دعا گرفتار و درماندگان را دعا کنیم ولی این درست نیست که فقط دعا مال گرفتارها باشد. آدم‌هایی که حال و نشاط دارند باید مسجد و هیئت بروند. درستش هم همین است و آدم‌هایی که بی‌حال و غمگین هستند به درد دعای کمیل و این‌گونه محافل نمی‌خورند و به درد گریه کردن برای امام حسین هم نمی‌خورد.

کسانی که در مقابل اباعبدالله بودند لحظه به لحظه روی زرد تر و ترسان تر می شدند و غمگین تر می‌شدند. در صورتی که چهره‌ی اباعبدالله الله برافروخته‌تر می‌شد و شوق ایشان برای زیارت حضرت حق زیاد می‌شد.

اگر استرس ها را از خود دور بکنیم می‌فهمیم این‌گونه زندگی کردن چگونه است. حتی نگاه کردن به افراد آرام و بی استرس زندگی ما را تغییر می‌دهد. در دوره‌ی هشت سال دفاع مقدس هم حرف از روحیه‌ها خیلی مهم بود. رزمنده‌ها سعی می‌کردند که روحیه و نشاط خود را حفظ کنند. اما در مصاحبه‌های حج‌ها و محرم‌ها غالبا به دنبال کسانی هستند که گرفتار باشند غمگین باشند و حاجتمند باشند و از زندگی بنالند، این درست نیست.

شما باید دل از اهل عالم ببرید و می‌توانید ببرید؛ باید هم ببرید. دیگران چرا دل می‌برند آن‌هایی که معاصی خدا را انجام می‌دهند و به خدا هم اعتقادی ندارند البته اگر ابزار رسانه‌ای نبود و بزک نمی‌کردند و دروغ نمی‌گفتند، هیچ نمی‌توانستند دل ببرند اگر در زندگی عادی آن‌ها وارد شوید نمی‌توانید لحظه‌ای تحمل کنید. این خنده‌ای که قهقهه می‌زنند همه از سر نیرنگ و فریب است.

**نشاط مؤمن**

این احساس نشاط دائم و خوشبختی و قوت قلب این احساس روحیه را فقط در افراد شجاع می‌توان دید. مؤمن ارزش خود را از نان نمی‌گیرد بلکه از نیت خو می‌گیرد. به امام علی (ع) گفتند چه قدر زور داشتی که درب خیبر را از جا کندی. فرمودند من این درب را باقدرت بدنی خود نکندم بلکه با نیروی روحانی خود کندم.

درس اخلاق این است که انسان را از مردگی در آورد. و خوف را از دل انسان در آورد. کسی که خوف در دل دارد، مردنی است.

بعضی‌ها فکر می‌کنند که نبض معنوی فقط اشک است. اشک داریم تا اشک . . . عیار اشک من با امام خمینی (ره) یکسان نیست؛ ایشان از کثرت اشک در نماز شبشان برای ایشان حوله می‌بردند. نترسیدن یکی دیگر از عواملی که نبض معنوی انسان را نشان می‌دهد که چه میزان مقرب هستیم. در صورتی که در مقابل اشک است- اگر اشک را مساوی غم بدانیم - (برق رفت و حاج آقا فرمود که خوب این هم از امتحانات الهی است که ما حکمت آن را نمی‌فهمیم)

یکی از شاخص‌ها انسان در دین‌داری نشاط است که صلابت و قدرت روحی که دارد از آن می‌گیرد.

حضرت ولیعصر قوت و قدرت چهل مردم را به هر یک از اصحابشان می‌دهد. از روی لب‌های این افراد لبخند برداشته نمی‌شود. آیا آن‌ها دیگر می‌خوابند؟ برخی ما را ملت ماتم می‌دانند. در صورتی که نشاطی که در دل ما هست را تجربه نکرده‌اند . در مجالس حسین (ع) نشاط و آرامشی به ما می‌دهد. همان نشاطی که برای امام حسین و اصحابشان در روز عاشورا ایجاد شده است.

**از ترس نترسیدن**

یکی از رویکردهای برخورد با امتحان و یکی از اهداف مناسب با امتحان خوف است. خوف که در دل ما زایل شد و در کنار خوف غم هم زایل می‌شود. فرد بانشاط کسی است که می‌گوید هیچ مشکلی نیست.

مگر خدا آن‌قدر می‌زند تا انسان رنج بکشد و بعد دست بر می‌دارد؟ آیا خداوند به این‌گونه امتحان می‌کند. شما می‌توانید در امتحانات اصلاً رنج نکشید. می‌توانید غمگین نباشید و عصبانی نباشید و به خود نپیچید. اگر غیر از این باشد از امتحانات تلقی غلطی داریم. هر بلایی یک دوره‌ای دارد. خدا بیشتر به شما اجر خواهد داد به گونه‌ای که در بلا لبخند از روی لب شما برداشته نشود. اگر شما نترسید خداوند خوش‌حال تر است چون می‌داند که از سر ترس پیشش نرفته است.

اگر خداوند بخواهد، بدون ترس از ما امتحان بگیرد و شجاع زندگی کنیم آیا ما ظرفیت آن را داریم برخی ظرفیت پیروز شدن و پول‌دار بدون و مظلوم نبودن و مقتدر بودن را ندارند. آخرین مراحل ظهور، تربیت افرادی است که ظرفیت نشاط و شجاعت و روحیه‌ی عالی را داشته باشند.

**قرار گرفتن امت اسلامی در دوره‌ی جدید**

می‌دانید که ما روی دُور پیروزی افتاده‌ایم و کارها آسان شده است. برخی آدم‌های بی‌ظرفیتی هستند. من آن افراد را به این‌گونه ترسیم می‌کنم؛ وقتی فردی عجله دارد به پله‌برقی رسیده است می‌ایستد چرا او می‌ایستد الآن ما به پله‌برقی رسیده‌ایم ولی شما ایستاده‌اید. این ظهور را به تأخیر می‌اندازد چون از پیروزی و قدرت به خوبی استفاده نمی‌کنید. امیدمان به پله‌ای است که روی آن ایستاده‌ایم تا ما را می‌برد.

کسانی که نمی بلد نیستند از ظرفیت پیروزی و قدرت استفاده کنند. اباعبدالله الله حسین به شهادت می‌رسد کی علناً و عملاً نتایج این شهادت مشخص شد چیزی حدود 60 سال بعد که مقبره‌ای ساختند و تا 1000 سال بعد بر منبرها به بابایش علی ناسزا می‌گفتند. 1400 گذشت تا الآن یک کمی از ایشان تقدیر می‌کنند. 1400 سال نه 14 سال!!! الآن شهدای خودمان را نگاه کنیم. امروز که زمین می‌افتد فردا خانواده‌اش را تقدیر می‌کنند و عکس و وصیت‌نامه‌ی او را فردایش منتشر می‌شود. الآن شرایط به گونه است که اگر نصرت‌های پی در پی و بی‌سابقهٔ پروردگار عالم نبود من و شما در اثر این انقلابی که انجام دادیم که نمی‌توانستیم دو نفری دور هم جمع شویم و عزاداری کنیم.

فکر می‌کنید که داعش و تکفیری‌ها را از دستشان در رفته است که ایجاد کرده‌اند خیر بلکه از سر رسیدن به بن بست راهی جز این ندارند که مردم منطقه را بترسانند.

دشمنان ما می‌گویند ایران اولین بار امپراتوری راه انداخته است که تا مدیترانه را می‌تواند اداره کند.

آیا ظرفیت این همه پیروزی دارید به خدا قسم. بله که من باید از شجاعت و عدم ترس صحبت کنم ما داریم به عرصه‌ی جدیدی پا می‌گذاریم. برخی نمی‌توانند برای شادی‌هایشان و به خاطر پیروزی‌هایشان شاد باشند.

با تحلیل اخبار متوجه می‌شویم که در شرایطی از قدرت زندگی می‌کنیم که اصلاً ابتلائات خدا قرار نیست ما را رنج دهد. بعضی وقت‌ها فکر می‌کنیم که تا داغون شویم ما از امتحان نمی‌گذریم.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ أَلاَّ تَخَافُوا وَلا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (30، فصلت)

"بر آنان كه گفتند: پروردگار ما اللَّه است و پايدارى ورزيدند، فرشتگان فرود مى‏آيند كه مترسيد و غمگين مباشيد، شما را به بهشتى كه به شما وعده داده‌شده بشارت است"

این آیه قرآن برای اصحاب پیامبر اسلام نازل شده است. حضرت که می‌فرمود وای برادران دینی من کسانی هستند که 50 برابر شما عملشان ارزش دارد. آن‌ها از شما وضعشان خیلی بهتر است و پیش خدا عزیزترند. حضرت بر این اصرار داشته‌اند.

آیا این وعده‌های الهی را قبول دارید اگر آن‌ها را قبول داشته باشید خداوند رحمتش را از زمین و آسمان به ما سرازیر می‌کند.

**عاشورا و ابتلا**

شب عاشورا شب دیگری است و نباید از زاویه‌ی غم به آن نگاه کرد بلکه از این که در عاشورا نبوده‌ایم حسرت می‌خوری. اما حسین خودش به جای ملائک به قلب اصحاب بهشت را به آن‌ها بشارت داد بدون اینکه استقامتی از جانب آن‌ها باشد. چون حضرت امتحان و ابتلا را به آن‌ها نشان داد و گفت که خوب هر کسی می‌خواهد بلند شود برود گفتند یا حسین ما جز تو کجا را داریم، برویم. این همان امتحان الهی بود. به همین سادگی. لازمه‌ی آن هم استقامت و نشاطی که در اثر نبود خوف حاصل می‌شود است.

أَلاَّ تَخَافُوا وَلا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (30، فصلت)

**ولی محل امتحان امت**

امتحانات الهی متنوع است. یکی از امتحانات الهی امتحان با ولی‌اش است.

"علی ابن ابی‌طالب محنة علی المتکلم ان و فی حقّه غلا وان بخسه حقّه اساء، و المنزلة الوسطی دقیقة الوزن حادّة الّشأن صعب المراقی الا علی الحاذق فی الدّین" (طوسی، الامالی، ص 588 ؛ به نقل از امالی در بحار الانوار، ج 40، ص 125)

"سخن گفتن کسی درباره علی ابن ابی‌طالب ـ علیه السّلام ـ بسی سخت و پر مشقّت است، اگر بخواهد حقّش را اداء کند، غلو خواهد کرد و اگر از حقّش بکاهد، مرتکب بدی و گناه شده است، حدّ متوسط که میزان دقیق آن است خیلی حادّ و دشوار می‌باشد که جزء دارندگان مهارت در دین کسی دیگر نمی‌تواند از عهده آن بر آید."

خود امام علی امتحان است. پیامبران امتحان هستند. پیامبران که درد و رنج ندارند. اگر امتحانی بدون رنج از ما گرفته شود و ما در مقابل آن کم آوریم مطمئناً در امتحانات دیگر کم می‌آوریم.

"نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّتِي نُزِّلَتْ فِي الرَّخَاءِ" (خطبه 193 متقین، نهج البلاغه)

در بلا و فتنه و سختي و محنت چنان‌اند که ديگران در آسايش و آرامش و راحت.

هنگامی که در بلا هستند عین وقتی است که شاد شاد هستند.

وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكلُونَ الطَّعَامَ وَ يَمْشُونَ فىِ الْأَسْوَاقِ وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَ تَصْبرِونَ وَ كَانَ رَبُّكَ بَصِيرً" (20، فرقان)

پيش از تو پيامبرانى نفرستاده‏ايم جز آنكه طعام مى‏خوردند و در بازارها راه مى‏رفتند. و شما را وسيله آزمايش يكديگر قرار داديم. آيا صبر توانيد كرد؟ و پروردگار تو بيناست.

هیچ پیامبری را قبل از تو نفرستادیم مگر چی ؟؟؟ مسئله‌ی مهمی که در ارتباط مهم با تمام امتحانات انبیاء است که غذا می‌خورند و در بازار راه می رودند؛ یعنی آدم‌های معمولی هستند. چرا خدا این را می‌گوید؟ چرا از معرفت و عصمتش صحبت نمی‌کند؟

این عامل فتنه و امتحان است، برای ما. سعی کنیم کسی از ما پیروتر از ولی نباشد.

در زیارت جامعه‌ی کبیره به اهل‌بیت می‌گوییم:

"والباب المبتلا به الناس من اتاك نجا ولم يأتكم فقد هلك"

گر کسی امتحان‌ها را پس بدهد، آرام‌آرام درها به روی او باز می‌شود و اگر ندهد قطعاً هلاک خواهد شد.

ای امام رضا که وسیله‌ی امتحان ما هستید. این صبر یعنی صبر در اطاعت که تمام صبرها را در بر می‌گرد.

این پیش‌بینی را می‌کنم که، تا چند سال آینده یک ننگ و نکبتی به پیشانی کسانی می‌نشیند که از ولی‌اش پیروی نمی‌کند. در جریان فتنه‌ی 88 گفتم شما تا چهار سال آینده خواهید دید که رهبر شما در منطقه چه قدرتی خواهد داشت. که مصادف شده با وقایعی که در اطراف ایران رخ داده است. الآن هم مهم‌ترین مسئله منطقه صدور جریان مقاومت است.

رهبر معظم هم یکی از محل‌های امتحان است. ما همه‌ی برای همدیگر هم محل امتحان هستیم. ما امشب هم در حال امتحان دادن هستیم.

ولی خدا از دو جهت مورد امتحان ما قرار می‌گیرد:

* 1. **اطاعت**

فرمانی که می‌دهد و اشاره‌هایی که می‌کند که ما پیروی می‌کنیم یا نه. از پیروی از پدر و مادر شروع می‌شود تا میر رسد به پیروی از پیامبر که ولایت مطلقه بر ما دارند. مهم‌ترین محل امتحان هم همین ولایت است. بعد از توصیه به اینکه شرک نورزید حضرت حق می‌فرماید "بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا"

وَ قَضىَ‏ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُواْ إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا ... (23، الاسراء)

پروردگارت مقرر داشت كه جز او را نپرستيد و به پدر و مادر نيكى كنيد.

مواظب باشید که در امتحان والدین رد نشوید. یکی از کلیدی‌ترین محل‌های امتحان است.

* 1. **احترام**

 عاشورا که می‌شود ما در حال امتحان هستیم. مگر تفریح است، ذوق و سلیقه نیست. بلکه بستگی به این دارد که ما در مقابل امام حسین چگونه می‌باشیم. توضیح آن بماند ...

"قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مَعْنَى السَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّهُ وَ ابْنَتَهُ وَ ابْنَيْهِ وَ جَمِيعَ الْأَئِمَّةِ وَ خَلَقَ شِيعَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ‏ الْمِيثَاقَ‏ وَ أَنْ‏ يَصْبِرُوا وَ يُصَابِرُوا وَ يُرَابِطُوا وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَ وَعَدَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ لَهُمُ الْأَرْضَ الْمُبَارَكَةَ وَ الْحَرَمَ الْأَمْنَ وَ أَنْ يُنَزِّلَ لَهُمُ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَ يُظْهِرَ لَهُمُ السَّقْفَ الْمَرْفُوعَ وَ يُرِيحَهُمْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ الْأَرْضَ الَّتِي يُبَدِّلُهَا اللَّهُ مِنَ السَّلَامِ وَ يُسَلِّمُ مَا فی‌ها لَهُمْ‏ لا شِيَةَ فی‌ها قَالَ لَا خُصُومَةَ فی‌ها لِعَدُوِّهِمْ وَ أَنْ يَكُونَ لَهُمْ فی‌ها مَا يُحِبُّونَ وَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَى جَمِيعِ الْأَئِمَّةِ وَ شِيعَتِهِمُ الْمِيثَاقَ بِذَلِكَ وَ إِنَّمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ‏ تَذْكِرَةُ نَفْسِ الْمِيثَاقِ وَ تَجْدِيدٌ لَهُ عَلَى اللَّهِ لَعَلَّهُ أَنْ يُعَجِّلَهُ جَلَّ وَ عَزَّ وَ يُعَجِّلَ السَّلَامَ لَكُمْ به جمیع مَا فِيه" (بحارالانوار،‌ج 52 ، ص 380)

داوود رقي مي‌گويد:‌ از امام صادق (ع) پرسيدم معني سلام كردن بر پيامبر (ص) چيست؟

حضرت فرمودند:  «خداي سبحان وقتي نبي خود و دخترش و پسرانش و جميع ائمه و شيعيانشان را خلق كرد از آن‌ها تعهد گرفت كه براي دينشان مقاومت كنند و يكديگر را وادار به مقاومت نمايند و از شريعت جدا نشوند و پرهيز كنند از اين كه خلاف اين تعهدات عمل نمايند بعد از اين تعهد، به آن‌ها وعده داد كه زمين مبارك و حرم امنش را تسليمشان كند، آن‌ها را از دشمن در امان نگه دارد ، وعده داده كه زمين را به گونه‌اي قرار دهد كه تسليم پيامبر (ص) و ال پيامبر (ص) و شيعيان پيامبر (ص) باشد، و هيچ عيب ، نقص ، خصومت و عداوتي در زمين نباشد، و آن چه كه آن‌ها دوست دارند برايشان حاضر كند.

و پيامبر (ص) از همه ائمه و شيعيانشان اين ميثاق را گرفت.

 با هر سلامي كه به پيامبر (ص) مي‌دهيم اين ميثاق را ياد آور مي‌شويم. روزي را ياد مي‌كنيم كه قرار است در زمين امنيت كامل حاكم شود. در هر سلام به پيامبر (ص) با خداوند تجديد بيعت مي‌كنيم كه خداوند در فرا رسيدن روز موعود تعجيل فرمايد. !!»

مفسرین این روایند که منظور از "الارض المبارک" شاید همان سرزمین قدس است. علامه مجلسی می‌گوید این آثاری که در این روایت شده است مربوط می‌شود به نشانه‌های ظهور.

**فلسفه‌ی سلام**

"إِنَّمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ‏ تَذْكِرَةُ نَفْسِ الْمِيثَاقِ وَ تَجْدِيدٌ لَهُ عَلَى اللَّهِ لَعَلَّهُ أَنْ يُعَجِّلَهُ جَلَّ وَ عَزَّ وَ يُعَجِّلَ السَّلَامَ لَكُمْ به جمیع مَا فِيه‏"

یعنی تمام آن عهد و پیمانی که بسته‌ایم را به یاد می‌آوریم سلام یعنی وعده‌ی پیروزی یعنی دعا برای ظهور حضرت. فایده‌ی این سالم یعنی خداوند عجله کند بر فتح و نصرت حضرت ولیعصر.